

معاون بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی: باور کنیم که صندوق‌های بازنشستگی بحران زده‌اند

معاون بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی در برنامه «تیترا مشب» دوازدهم آذر ۹۷ شبکه خبر سیما با موضوع چالش صندوق‌های بازنشستگی، با اشاره به بحث قانون اعداد بزرگ گفت: زمانی که صندوق‌های بازنشستگی قرار است تشکیل شوند، باید تابع قانون اعداد بزرگ باشند.

محمدحسن زدا گفت: نظام رگولاتوری بیمه در ایران متمرکز نیست و شورای عالی بیمه نقش رگولاتوری ندارد اما در نظام بانکی برعکس است. اگر درخواستی برای تأسیس بانک بیاید بانک مرکزی نظارت می‌کند و اگر درخواست‌دهنده شرایطش را نداشته باشد بانک مرکزی مجوزی به او نمی‌دهد. بیمه‌های خصوصی هم چنین سیستمی دارند اما در بیمه‌های پایه بازنشستگی این گونه نیست. وی گفت: نظام تأمین اجتماعی در تمام دنیا پیاده می‌شود. دولت به ازای هر بیمه‌شده موظف شده سه درصد حق بیمه بدهد که نقش تضمینی دارد و اگر زمانی به نقطه سربه‌سری رسیدیم دولت نقش ضمانتی خود را ایفا کند. در طول سال‌های قبل، نقش دولت کارفرمایی شده و گفته منابع بیمه را پرداخت می‌کنم، اقشار مختلف بیمه شوند، اما تعهداتش را نمی‌پردازد و چنین وضعی رخ می‌دهد. زدا افزود: حق بیمه را به سه بخش تقسیم می‌کنند: یک سوم به نسل قبل، یک سوم صرف درمان و یک سوم صرف سرمایه‌گذاری می‌شود. از هر کارگر ۳۰ درصد حدود ۳۶۰ هزار تومان حق بیمه دریافت می‌شود. اگر فردا بازنشسته شود باید یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق پرداخت کنیم

وی درباره بخش اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی اظهار کرد: سرمایه‌گذاری‌های سازمان سودده است اما هر جا شرکتی در قبال مطالبات به ما تحمیل شده، زیان ده بوده‌اند. وی تأکید کرد: تا زمانی که باور نکنیم صندوق‌های بازنشستگی یک ابرچالش است، اتفاقی نخواهد افتاد. مجلس دو جلسه غیرعلنی داشته و دولت صندوق‌ها را اجزوی سه چالش اصلی آورده. باید باور کنیم دچار بحران و چالش هستیم. وی ادامه داد: اصلاحات پارامتریک در همه جای دنیا جواب داده است. در اصلاحات پارامتریک سن، سابقه و فرمول بازنشستگی باید دستخوش تغییر شوند. علت اینکه کسی سمت آن نمی‌رود، نگرانی‌های اجتماعی آن است. می‌توان گروه‌های جدید را مشمول بیمه کرد. اگر مطالب صادقانه منتقل شود قطعاً همه همکاری و همراهی خواهند کرد.

صندوق‌ها باید

به فکر دوران پیری خود باشند

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس نیز در این برنامه گفت: صندوق بازنشستگی ای موفق است که در ابتدای فعالیت خود با برنامه‌ریزی صحیح به فکر دوران پیری باشد. سلمان خدادادی با بیان اینکه در کشور ما قوانین مختلفی به صندوق‌ها تحمیل شده، گفت: نگاه حاکمیت به صندوق‌ها نگاه حق الناسی نیست و حاکمیت در صندوق‌ها دخالت دارد. مثلاً صندوقی که مخصوص کارگران است به جز رسیدگی به بازنشستگی کارگران به کار دیگری نمی‌پردازد.

وی با اشاره به اینکه از ۱۸ صندوق بازنشستگی به جز یک صندوق، مابقی ورشکسته‌اند، افزود: در کشور مابسیاری از صندوق‌ها متکی به کمک‌های دولت هستند.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس یکی دیگر از چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی را تحمیل قوانین مختلف از سوی دولت و مجلس نام برد و افزود: مجلس قانون تعهد پرداخت حق بیمه سه‌م کارفرما توسط دولت را تصویب کرد که دولت هیچ وقت چنین سهمی را پرداخت نکرد. با بر آورد انجام شده در سال ۹۶ دولت از این بابت مبلغ ۱۵۰ هزار میلیارد تومان به صندوق تأمین اجتماعی بدهکار است. خدادادی افزود: بازنشستگی پیش از موعد هم یکی دیگر از قوانینی است که مجلس تصویب کرد. در همه کشورهای دنیا تلاش بر این است که کارگران ۳۰ سال کامل فعالیت داشته باشند و پس از آن بازنشسته شوند اما در کشور ما قانون بازنشستگی پیش از موعد کارگران با ۲۵ سال کار، حق و حقوق بازنشستگی ۳۰ سال را دریافت می‌کنند که باعث بار مالی بر دوش صندوق‌ها می‌شود.

وی با بیان اینکه یکی از مشکلات صندوق‌ها، سوءمدیریت حاکم بر آنهاست، گفت: در زمان ۸۰ ساله یکی از دولت‌ها، هشت مدیر صندوق بازنشستگی تغییر کرد. این تغییر مدیریت صندوق‌ها نقطه ضعف است که فرصت برنامه‌ریزی را از آنها می‌گیرد. خدادادی گفت: صندوق‌های بازنشستگی در تصمیم‌گیری مستقل نیستند و در واقع حیط خلوت دولت‌ها هستند.

از خیاط‌خانه خیابان فردوسی تا سطل‌های زباله پایتخت

آدم‌هایی که برای نان درآوردن «مچاله» می‌شوند



بیاورند. خیلی‌ها مثل مینا، به ناچار سر در سطل‌های زباله فروبرند.

باید شاهد پدیده‌هایی مانند

زباله‌گردی زنان باشیم

حسین راغفر، اقتصاددان نهاد گرا این پدیده‌های ناخوشایند را محصول تعدیل‌های ساختاری بی‌حساب و کتاب و عدم توجه به معیارهای اطمینان‌بخشی مانند برابری و مساوات می‌داند و می‌گوید: در همین سال جاری، ماه خرداد، شاخص قیمت مصرف‌کننده نسبت به ماه قبل سه

درصد بود. ماهی سه درصد رشد، یعنی تورم بالای چهل و چند درصد. شاخص بهای تمام‌شده برای تولیدکننده در ماه خرداد، ۱۰ درصد بود. این یعنی بالای ۱۴۰ درصد تورم در بخش صنعت. تازه هنوز آثار اصلی تورم حاصل نشده، یعنی قطعاً بحران بی‌سابقه تولیدرخ خواهد داد، اشتغال آسیب می‌بیند. فقر گسترش می‌یابد و در حالی که هیچ نشانه‌ای از آثار فروبارشی تعدیل ساختاری نمی‌بینیم، باید شاهد پدیده‌هایی مانند زباله‌گردی زنان باشیم. امثال مینا زیاد هستند. سال‌ها استیلای سیاست‌های تعدیل ساختاری در فضای مافیایی اقتصاد نه تنها نتایج مثبتی آن‌طور که تئوئیرال‌ها ادعا می‌کنند، نداشته بلکه باعث گسترش فقر، بیکاری و رواج سلطه خصولتی‌ها و امپراتوران دلالتی شده است. در دهه‌های گذشته به رغم شعارهای رنگارنگی که در راستای حمایت از تولید سر دادند تولید واقعی به هیچ‌وجه حمایت نشد و اقتصاد همچنان یک اقتصاد واسطه‌ای باقی ماند. لاجرم تولیدکنندگان واقعی

را غفر: خرداد ماه، شاخص قیمت مصرف‌کننده نسبت به ماه قبل سه درصد بود.

ماهی سه درصد رشد

یعنی تورم بالای چهل و

چند درصد. شاخص بهای

تمام‌شده برای تولیدکننده

هم ۱۰ درصد بود. این یعنی

بالای ۱۴۰ درصد تورم در

بخش صنعت. تازه هنوز آثار

اصلی تورم حاصل نشده

است

یکی پس از دیگری ره به دیار تعطیلی سپردند.

صدای چرخ‌ها خاموش شد

از کارخانه‌های معروف قدیمی مانند «راج» و «علاءالدین» گرفته تا تولیدی‌های کوچک و متوسط همه از این فضای تیره و مغشوش آسیب دیدند و فقط دلالت و واسطه‌ها از همیشه پرورتر شدند. لاجرم کم‌کم صدای چرخ‌ها و ماشین آلات خاموش شد. بیکاری آمد، پس از آن فقر و بعد هم گر سنگی. قصه مینا هم تسلس همین اتفاقات پی‌در پی است: قصه‌ای که پس از اصرار فراوان به شرط محفوظ ماندن نام واقعی و تصویرش، قبول می‌کند که روایت کند: «سال‌ها در یک خیاط‌خانه در خیابان فردوسی کار می‌کردم. کارفرمایم زن بود و همه کارگران هم زن بودند؛ بیشترین زنان سرپرست خانوار، اوضاع بد نبود. کلی

سفارش داشتیم. پارچه‌ها معمولاً تر ک بود اما ما کار دوخت آن را برای بوتیک‌ها و فروشگاه‌های لباس انجام می‌دادیم. بیمه هم نبودم ولی ناگهان چند ماه قبل تقریباً اوایل پاییز سال گذشته ورق برگشت. کم‌کم سفارشات کم شد و آهسته به سمت نابودی پیش رفتیم. کارفرما از جوان ترها و مجردها شروع کرد اما در عرض یکی، دو ماه مجبور شد همه ما را اخراج کند. با تعطیلی این کارگاه زندگی‌ام تعطیل شد. سال‌هاست از همسرم جدا شده‌ام. دو فرزند دختر دارم که دبیرستانی هستند. من ماندم و یک دنیا آندوه...» به اینجای صحبت که می‌رسد، صدایش تلفیقی از افسوس و رنج است: «خانم کارفرما حداقل سرمایه داشت. هم خیاط‌خانه مال خودش بود و هم چند دستگاه چرخ خیاطی پیشرفته داشت. خوب همین‌ها را بفروشد و پولش را بگذارد بانک، می‌تواند زندگی‌اش را بچرخاند، اما من چی؟! عشقم خیاطی بود و سرمایه‌ای هم غیر از هنرم نداشتم. آن هم که خریدار ندارد...»

کاش اوضاع عوض شود

مینا بعد بیکاری چندوقتی سرگردان می‌ماند. از در و همسایه سفارش دوخت می‌گیرد و با چرخ خیاطی کهنه خودش در منزل، سفارش‌ها را برش می‌زند و می‌دوزد اما این، کافی نیست. برای گذراندن زندگی خودش و دو فرزند محصل به هیچ‌وجه کافی نیست: «سوزن روی سوزن می‌زد اما فقط پول اجاره خانه، آن هم با هزار زحمت جور می‌شد. از اردیبهشت به بعد خیلی اوضاع به هم ریخت. همه چیز گران شد. حتی یک کیلو میوه نمی‌توانستم برای بچه‌هایم بخرم. اول خواستم جنس بخرم ببرم در مترو و بفروشم اما خانم‌های فروشنده گفتند ما هم دیگر در آمد نداریم. اجناس گران شده و مردم پول ندارند که بخرند. نمی‌دانستم به کدام در بزنم و کجا بروم تا یک روز عصر برادرزاده‌ام آمد گفت عمه‌مان وانت دارم کارم هم که می‌دانی تفکیک زباله است. شاگردم را مرخص می‌کنم. تو بیا و ایستنا و ر دستم. پلاستیک‌ها و تفکیکی‌ها را جدا کنیم و ببریم به شرکت بافرو و شیم. اوایل نمی‌توانستم قبول کنم. خودتان که می‌دانید! اما بعد راضی شدم، مجبور شدم که راضی باشم...»

در آمد مینا چندان زیاد نیست. البته خیاطی شبانه را هم زده تنگش ا هم زباله تفکیک می‌کند و هم سوزن روی سوزن می‌زند اما زندگی را با هر مشقتی که شده می‌چرخاند: «چند وقت که گذشت خجالت‌هم هم ریخت؛ حالا ماهی یک میلیون تومان از کار تفکیک زباله گیرم می‌آید. باقی خرج‌ها را با خیاطی راست و ریس می‌کنم. زندگی همین است دیگر، باید بگذرد اما باز هم می‌گویم عشق من خیاطی بست؛ کاش اوضاع عوض شود...»

اما اوضاع عوض نمی‌شود. انگار قرار هم نیست در این سال و ماه‌ها عوض

شقایق شهری: اگر روال موجود تغییر نکند در ماه‌های آینده ۵۰ تا ۶۰ درصد بنگاه‌های تولیدی تعطیل خواهند شد و این یعنی، انبوه شدن لشکر بیکاران، آن‌هم بیکاران متخصص. این‌ها مجبور می‌شوند برای امرار معاش به هر دری بزنند

شود. شاید باید هر روز میناهای بیشتری را این گوشه و آن گوشه، سرافکنده اما بدون شک، شرافت‌نمند ببینیم که سر در سطل‌های زباله فرو برده‌اند و همان‌طور که یک ربز عرق می‌ریزند و خجالت می‌کشند، «نان» درمی‌آورند.

تغییر الگوی مشاغل غیر رسمی دور از انتظار نیست

وحید شقایق شهری، اقتصاددان این احتمال را بعید نمی‌داند و می‌گوید: تغییر الگوی مشاغل غیر رسمی و به‌طور مشخص «زباله‌گردی» دور از انتظار نیست. اقتصاد و بازار کار ما، تحمل دلار ۸ و ۱۰ هزار تومان را نداشت، لذا به سادگی آسیب دید. او معتقد است: در آینده‌ای نه چندان دور، در واقع در همین ماه‌های پیش رو باید شاهد زوال بیش از پیش کارگاه‌های تولیدی باشیم. شقایق ادامه می‌دهد: اگر روال موجود تغییر نکند، در ماه‌های آینده ۵۰ تا ۶۰ درصد بنگاه‌های تولیدی تعطیل خواهند شد و این یعنی، انبوه شدن لشکر بیکاران آن‌هم بیکاران متخصص. این‌ها مجبور می‌شوند برای امرار معاش به هر دری بزنند. این اقتصاددان ادامه می‌دهد: با رشد شدید قیمت دلار، شاهد بحران‌های همه‌جانبه بودیم. بنگاه‌های وابسته به اقتصاد مونتاژی و واسطه‌ای ما، یکی پس از دیگری به دلیل ناتوانی در تأمین مواد اولیه و وارداتی از پادر آمدند؛ از آن سو، مردم قدرت خرید خود را از دست دادند، لذا بسیار طبیعی ست که در این شرایط، هم «الگوی مصرف» تغییر کند و هم «الگوی اشتغال»، البته از «تغییر» نمی‌شود در این اوضاع آشفته صحبت کرد، باید گفت «دگرگونی» آن‌هم دگرگونی اساسی. مینا آخر صحبت یل‌دش می‌افند که بگوید هیچ کس نمی‌داند که او چه‌طور روزگار می‌گذراند. کسی از شغلش خبر ندارد و این یک «راز» است؛ رازی که به خاطر فرزندانش هم که شده نمی‌خواهد افشا شود. او آهسته صحبت می‌کند اما من به چشم‌هایش خیره می‌شوم. دردی که در چشم‌های میناست، یک «درد مشترک» است. آنچه در این روزگار در گوشه و کنار شهرهامان می‌بینیم، زنان دردمندی هستند، با عینک دودی بر چشم، دست‌ها در دستکش پلاستیکی و سربه‌پیر... مادران شریفی که حق‌شان خیلی بیش از این‌هاست.



را در قیمت تمام‌شده تولید دارد و در ماه‌های گذشته شرکتی نبوده که به اندازه چند سال اخیر از نوسان نرخ ارز سود نکرده باشد، اما تورم و افزایش قیمت مواد اولیه خود را رها کرده و به حقوق کارگران چسبیده‌اند.

بر گردانند اما اینکه کارفرمایان هر بار که برای ارتقای قدرت خرید و معیشت کارگران تلاش می‌شود بهانه‌تراشی می‌کنند و تعدیل نیرو را وسط می‌کشند، منصفانه نیست. کارفرمایان بهتر می‌دانند که دستمزد کارگر کمترین سهم

ترمیم‌مزد، تهدید به بریزش و اخراج نیروهای کار می‌کنند، نوعی کار شکنی است.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی افزود: آ‌ها همین کارفرمایان می‌خواهند کارگران را تحریک کنند و نیروهای کارشان مثل کارگران هفت‌تپه به نشانه اعتراض کارخانه را تعطیل کنند و به خیابان بریزند؟ کارگران دیگر به چه زبانی بگویند که وضع معیشت‌شان خوب نیست و از هزینه‌های زندگی در رنج و عذابند.

وی ادامه داد: نمایندگان کارگران در شورای عالی کار با تمام توان و تلاش به دنبال این هستند که فاصله بین سبد معیشت و نرخ تورم ایجاد شده را کاهش دهند و قدرت خرید را به کارگران

وی ادامه داد: مشکلات کارفرمایان نباید با موضوع دست‌مزد کارگران در آمیخته شود و کارفرمایان مشکلات خود را درباره تولید و مواد اولیه و گرانی ارز باید با وزارتخانه‌های صنعت و معدن و تجارت، کار و دارایی و بیمه و در یک کلام دولت حل و فصل کنند.

بیات افزود: نمی‌توانیم تا بحث افزایش مزد کارگران مطرح می‌شود جلسه شورای عالی کار را به مشکلات اقتصاد و کارفرمایان گره بزنیم. نمایندگان کارگری در جلسات قبل هزینه سبد معیشت خانوار را در آوردند و نمایندگان کارفرمایی هم پذیرفتند. امروز اگر زیر بار نمی‌روند و در برابر خواست کارگران برای

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی می‌گوید: در صورت تهدید کارفرمایان به تعدیل نیروهای کار و مقاومت برای ترمیم دست‌مزدها حوادث تلخ کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد تکرار خواهد شد.

فتح‌اله بیات در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: امروز به این خاطر روی عملکرد شورای عالی کار حساس هستیم چون سبد معیشت خانوار کارگری خالی است و کارگران با حداقل‌ها زندگی می‌کنند. متأسفانه هفته‌ای نیست که کارگران به ما مراجعه نکنند و از پایین بودن حقوق و افزایش هزینه‌های زندگی و نگرفتن سبد حمایت غذایی گلایه نکنند.

خبر

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی:

با چه زبانی بگویم که وضع زندگی مان خوب نیست